خانواده آرمانى در انديشه امام سجاد (ع)

سال بيست و يكم ـ شماره 181 ـ دى 1391، 13ـ26

سعيد مقدم\*

چكيده

تهديدها و آسيب هاى فراوانى در دهه هاى اخير نهاد خانواده را به چالش كشيده است. از اين رو، ارائه يك خانواده آرمانى از منظر دينى جهت رويارويى با تهديدهاى نوين، ضرورى به نظر مى رسد. در اين نوشتار به بررسى خانواده آرمانى مطلوب در انديشه امام سجاد عليه السلام با روش تحليل متن مى پردازيم. ترسيم خانواده آرمانى براساس ويژگى ها و ارائه راهكارهاى تحقق اين نهاد، از اهداف اين پژوهش به شمار مى رود.

خانواده آرمانى، اگرچه براى پاسخ گويى به نياز جنسى شكل مى گيرد، ولى به دليل داشتن مبانى توحيدى و ارائه ويژگى ها و راهكارهاى برگرفته از مبانى وحيانى، به پرورش انسان هاى موحد مى پردازد و زمينه تشكيل جامعه آرمانى را فراهم مى كند.

كليدواژه ها: خانواده آرمانى، انديشه امام سجاد عليه السلام، ويژگى ها، راهكارها.

\* كارشناس ارشد جامعه شناسى دانشگاه باقرالعلوم عليه السلام. saeid409@yahoo.com

دريافت: 27/11/90 پذيرش: 25/6/91

مقدّمه

خانواده يكى از مهم ترين نهادهاى جامعه به شمار مى آيد و در پى پاسخ گويى به يكى از نيازهاى مادى كه همان نياز جنسى است، مى باشد. خانواده قدرتمندترين كانون اثرگذارى و مؤثرترين مركز براى سامان دهى اجتماع و عامل تشكل و نظام دهى به جامعه است. در دهه اخير، تهديدها و آسيب هايى خانواده را به چالش كشيده و پيامدهاى ناگوارى براى آن به بار آورده اند. ناديده گرفتن يا انكار تفاوت هاى طبيعى زن و مرد، گسترش روابط آزاد جنسى، رفع محدوديت هاى ارتباط بين زنان و مردان در محيط هاى عمومى و افزايش فرزندان نامشروع، و خشونت هاى خانوادگى، از بارزترين تهديدها و آسيب هايى هستند كه جوامع امروزى را تهديد مى كنند. اين آسيب ها محصول رويكردهايى هستند كه از پشتوانه نظريه هاى به ظاهر علمى برخوردارند و در حال گسترش در همه جوامع اند.

بنابراين، ارائه الگويى مطلوب از خانواده دينى، جهت تبيين منطقى و كارآمد از نظريه اسلام در زمينه خانواده، ضرورى به نظر مى رسد. از همين رو، ما در اين نوشتار به ارائه الگويى مطلوب از خانواده دينى در قالب ويژگى ها و راهكارها، از ديدگاه امام سجاد عليه السلام مى پردازيم.

در اين زمينه كتابى كه مستقل و مستقيم به موضوع پرداخته باشد، يافت نشد؛ ولى كتاب هاى زير غيرمستقيم به موضوع پرداخته اند: در آمدى بر نظام خانواده در اسلام، (سالارى فر، 1385) اسلام و جامعه شناسى خانواده، (بستان، 1385) اخلاق در قرآن، (مصباح، 1380) و خانواده در اسلام. (بستان، 1390)

سؤال اصلى مقاله عبارت است از: خانواده آرمانى در انديشه امام سجاد عليه السلام، چه ويژگى ها و راهكارهايى دارد؟

همچنين سؤال هاى فرعى عبارت اند از: 1. امام سجاد عليه السلامچه ويژگى هايى براى نهاد خانواده آرمانى در

سه محور ازدواج، ساختار و كاركردها بيان مى كند؟ 2. براساس انديشه امام سجاد عليه السلام، چه راهكارهايى مى توان براى تحقق و استحكام خانواده مطلوب ارائه كرد؟

با پاسخ به سؤال هاى فوق، ويژگى ها و راهكارهاى تحقق خانواده مطلوب از ديدگاه امام سجاد عليه السلام روشن خواهد شد.

ويژگى هاى خانواده آرمانى

از ديدگاه امام سجاد عليه السلام، سعادت و كمال انسان در بندگى و قرب او تبلور مى يابد و توحيدمحورى، مهم ترين ويژگى جامعه مطلوب و نهادهاى تشكيل دهنده آن است. در اين نوشتار، به برخى ديگر از ويژگى هاى خانواده آرمانى در انديشه امام سجاد عليه السلام در سه محور ازدواج، ساختار خانواده و كاركردهاى آن مى پردازيم.

1. ويژگى هاى سنت ازدواج

ازدواج در جامعه آرمانى نسبت به ساير جوامع ويژگى هاى متمايزى دارد كه ما در اين نوشتار به برخى از آنها از ديدگاه امام سجاد عليه السلام اشاره مى كنيم:

1ـ1. تقدس سنت ازدواج: از جمله عواملى كه در سوق يابى به ازدواج، دورى گزيدن از جايگزين احتمالى، ايجاد آمادگى هاى فردى و اجتماعى براى مقابله با عوارض و آسيب هاى احتمالى پيوند زناشويى و در نتيجه، حفظ و تثبيت خانواده، نقشى تعيين كننده دارد، تلقى ارزشى از پيوند زناشويى، و به تعبيرى، قداست داشتن آن است. به اعتقاد صاحب نظران، يكى از عوامل مهم سقوط جايگاه خانواده در غرب، فرايند عمومى دنيوى شدن يا تقدس زدايى بوده است كه افزون بر ديگر حوزه هاى حيات اجتماعى، بر نهاد خانواده نيز به شدت تحت تأثير گذاشته است. در نتيجه اين فرايند، ازدواج كه پيش تر اقدامى مقدس و دينى تلقى مى شد، رفته رفته قداست خود را از دست داد و به يك قرارداد مدنى صرف مبدل شد.

نهاد خانواده از منظر اسلام، داراى جايگاه و قداست ويژه اى است كه قابل مقايسه با هيچ نهاد ديگرى نيست. حكمت قداستى كه اسلام به خانواده بخشيده است، ارزش گذارى معنوى بر پيوند خانوادگى، زمينه سازى براى تقويت اين رابطه، و پيشگيرى از فروپاشى آن است.

قداست ازدواج و خانواده، سد محكمى در برابر سوءاستفاده جنسى از زن به عنوان يك كالا يا ابزار فروش كالا، و در واقع مانع بردگى مدرن زن است. خطرى كه امروز نسل بشر را تهديد مى كند، تقدس زدايى از كانون خانواده است. (محمدى رى شهرى، 1389، ص 11ـ12)

اسلام كوشيده است نگاه قدسى به ازدواج را در ميان مردم گسترش دهد. اين مدعا، از تعبيرهاى روايات اسلامى با دلالت هاى صريح يا تلويحى استفاده مى شود. نمونه هاى زير، رويكرد ارزشى و قدسى اسلام به خانواده را منعكس مى سازند: امام سجاد عليه السلام فرمودند: «هركس براى رضا و خشنودى خداوند ازدواج كند و با خويشان خود صله رحم نمايد، خداوند او را در قيامت مفتخر و سربلند مى كند.» (طبرسى، 1385ق، ص 166)

ازدواج، از نظر حقوقى كارى جايز است؛ اما از ديدگاه اسلام، افزون بر اينكه مستحب است، مى تواند وجوب هم داشته و داراى ارزش اخلاقى باشد و در نهايت، موجب كمال نفسانى انسان نيز بشود. امام سجاد عليه السلام با تأكيد بر نقش نيت در كار اخلاقى، تشكيل خانواده با نيت الهى را سربلندى و رسيدن به سعادت در آخرت معرفى مى كند. اين امر بر ارزش اخلاقى ازدواج دلالت مى كند. ازدواج صرفا پديده اى دنيوى نيست، بلكه مى تواند موجب تكامل و نزديكى انسان به خداوند باشد.

اين ديدگاه در مقابل نگرشى است كه رشد معنوى را در دورى از ازدواج مى جويد. اگر در آموزه هاى اسلام به افراد سفارش مى شود كه پيش از اقدام به ازدواج، براى انتخاب همسر و انجام مراسم در مراحل بعدى، رفتارهاى خود را با نماز، دعا و توكل بر خدا همراه كنند، به اين دليل است كه به ازدواج رنگ وبوى معنويت دهند و به آن تقدس بخشند تا بتوانند زمينه تكامل انسانى را فراهم آورند. (سالارى فر، 1385، ص 34)

2ـ1. انتخاب آگاهانه: يكى ديگر از مهم ترين ويژگى هاى ازدواج در نهاد خانواده كه نقشى بسيار تعيين كننده در سرنوشت خانواده دارد، انتخاب آگاهانه همسر است. كارشناسان امور خانواده بر اين باورند كه بسيارى از مشكلات و اختلالات خانوادگى، در ضعف مجارى اطلاع رسانى، شتاب زدگى و عدم انجام مطالعات دقيق در مرحله گزينش، اعتماد بى مورد به اظهارنظرهاى واسطه ها و اطرافيان، جدى نگرفتن برخى نقاط ضعف مهم يا توجيه آنها، كم توجهى به اوصاف بايسته، و در مواردى فريب كارى و اغفال آگاهانه ريشه دارد.

در هر جامعه اى، شيوه هاى كم وبيش مرسومى متناسب با شرايط فرهنگى، ضرورت هاى عصرى و حساسيت هاى محيطى براى عبور از اين مرحله وجود دارد كه افراد آن جامعه به فراخور حال، در فرايند انتخاب همسر از آنها سود مى جويند؛ براى مثال، بسيارى از جوانان امروزى در غرب، به شيوه هم خانگى روى آورده اند و آن را دوره اى آزمايشى و مقدماتى براى ورود به ازدواج تلقى مى كنند. (اچ ترنر، 1378، ص 269)

به هرحال، معرفى شيوه هاى مناسب و كارآمد، و بى اعتبار ساختن شيوه هايى كه از درصد اطمينان كمى برخوردارند، احتمال دست يابى به انتخاب درست و مصونيت از گرفتار شدن به برخى پيامدهاى ناگوار را تا حد قابل توجهى افزايش خواهد داد.

نظام حقوقى اسلام، تحقيق از مجارى مختلف، گفت وگوى مستقيم دوطرف و ديگر راه هاى احتمالى را كه موجب شناخت هرچه بيشتر افراد خواهان زناشويى نسبت به يكديگر مى شود، به صورت مشروط و با رعايت حدود و ضوابط خاص، مجاز شمرده است. اسلام حتى اقدام هايى مانند ملاقات حضورى به منظور آگاهى يافتن از خصوصيات فيزيكى طرف مقابل را تجويز يا بدان ترغيب نموده است. (بستان، 1385، ص 173ـ174)

امام سجاد عليه السلام فرمودند: «هركه خواهد زن بگيرد، از موى او نيز بپرسد، همان گونه كه از زيبايى اش مى پرسد؛ كه موى يكى از دو قسمت زيبايى است.» (طبرسى، 1370، ص 200)

در آموزه هاى دينى، با تأكيد فراوان بر به كارگيرى عقلانيت و پرهيز از غلبه احساسات در زمان انتخاب همسر، زمينه پشيمانى بعد از ازدواج را از بين برده است.

3ـ1. همسان همسرى: يكى ديگر از ويژگى هاى مهمى كه مورد توجه كارشناسان مسائل خانواده در حوزه جامعه شناسى در مرحله ازدواج و تشكيل خانواده قرار گرفته، «همسان همسرى» است. از مجموع ديدگاه هاى ارائه شده، چنين استنباط مى شود كه همسانى زوج در ويژگى هاى شخصيتى، موقعيت تحصيلى، موقعيت خانوادگى و شرايط سنى و فرهنگى، بقا و استحكام زندگى مشتركشان را تا حد زياد تضمين خواهد كرد، و ناهمسان همسرى ميان دو همسر، سرچشمه كشمكش هاى خانوادگى است. (ساروخانى، 1380، ص 41)

از مهم ترين انواع همسانى زوج كه در موفقيت زندگى مشترك نقشى اساسى ايفا مى كند، همسانى فرهنگى آنان است كه گونه هاى مختلف اشتراك در زبان، دين، مليت، نظام ارزشى، بينش ها و باورها را شامل مى شود. بدون شك، همسان همسرى، شرط لازم در هم زيستى بى دغدغه انسان ها و محورى ترين نقطه وفاق و همبستگى آنهاست و اين به دليل تأثير آن بر جلب محبت متقابل، كاهش سوءتفاهم ها و حل آسان تر مشكلات احتمالى، و در نتيجه رسيدن خانواده به آرامش است. از سوى ديگر، فقدان زمينه مشترك، امكان برقرارى ارتباط مثبت را دشوار مى سازد و افراد را به صورت جزيره هاى مجزا و مستقل از يكديگر درمى آورد. (بستان، 1385، ص 195)

در اسلام، بر اصل همسان همسرى به عنوان معيار همسرگزينى و ضامن انسجام خانواده، در ذيل عنوان «كفويت» تأكيد شده است؛ اما ديدگاه ارزشى اسلام، تعريف خاصى از كفويت زن و شوهر ارائه داده است. به موجب اين تعريف، با برخى جنبه هاى همسان همسرى (همسانى دينى، ايمانى و اخلاقى) برخورد ايجابى، و با برخى از جنبه هاى ديگر آن (همسانى نژادى، قومى و طبقاتى) برخورد سلبى صورت گرفته است.

اگر همسانى ايمانى و اخلاقى همسران، به درستى رعايت شود، احتمال بروز آسيب هاى ناشى از ناهمسانى نژادى، قومى و طبقاتى زن وشوهر به شدت كاهش مى يابد.

زراره از امام محمدباقر عليه السلام نقل مى كند كه: پدرش، امام سجاد عليه السلام در يكى از سفرهايش به مكه، زنى را از خانواده اى بى بضاعت خواستگارى كرد و بعد از آن، او را براى خود تزويج نمود. يكى از همراهان حضرت به محض آگاهى از اين امر، بسيار ناراحت شد كه چرا حضرت چنين زن بى بضاعتى را انتخاب كرده است. وى به تفحص و تحقيق پرداخت تا بداند كه اين زن كيست و از چه خانواده اى است و چون به اين نتيجه رسيد كه زن از خانواده اى گمنام و بى بضاعت است، فورا به محضر مبارك امام سجّاد عليه السلام آمد و پس از اظهار ارادت، عرض كرد: يابن رسول اللّه! من فداى شما گردم؛ اين چه كارى بود كه كرديد؟ چرا با چنين زن بى بضاعتى، از چنين خانواده اى ازدواج كرديد كه هيچ شهرت و ثروتى ندارد. اين امر حتى براى مردم نيز مسئله انگيز شده است.

امام سجاد عليه السلام فرمودند: «من گمان مى كردم كه تو شخصى خوش فكر و نيك سيرت هستى. خداوند متعال به وسيله دين مبين اسلام تمام اين افكار ـ خرافى و بى محتوا ـ را محكوم و باطل گردانده، و اين نوع سرزنش ها و خيالات را ناپسند و زشت شمرده است.» آنچه در انتخاب همسر براى ازدواج و زندگى مهم است، ايمان و تقواست و آنچه امروز مردم به آن مى انديشند، افكار جاهليت است و ارزشى نخواهد داشت. (اهوازى، 1412ق، ص 45)

2. ويژگى هاى ساختارى نهاد خانواده

مجموعه پايگاه ها و نقش ها كه خاصيت تقسيم اجتماعى كار را نشان مى دهند، بسترى مى شوند تا براساس آن، روابط اجتماعى نسبتاپايدار حاصل شودكه آن را ساختار مى گويند.

پذيرفتن مجموعه اى از نقش ها در نهاد خانواده كه در برهه اى خاص،سيرى نسبتاپايدار از روابط متقابل اجتماعى را به وجود مى آورند، ساختار خانواده را شكل مى دهد.

در اين قسمت، به بررسى برخى از ويژگى هاى ساختارى اين نهاد در انديشه امام سجاد عليه السلام مى پردازيم:

1ـ2. سرپرستى مرد: از نظر حقوقى، خانواده به عنوان يك واحداجتماعى، همانند هراجتماع ديگر،نيازبه يك سرپرست دارد و از آنجا كه اسلام خانواده را اساس جامعه مى داند، توجه فراوانى به پى ريزى درست بنيان خانواده دارد تا از اين رهگذر، استحكام و سلامت جامعه را تضمين كند.

اسلام در عين توجه بسيار به گسترش و تعميق عواطف در ميان اعضاى خانواده و طرح آن به عنوان يك اصل حاكم بر رفتار خانوادگى، اصل سرپرستى مرد بر نهاد خانواده را مطرح مى كند تا در مواردى كه مشكلات خانوادگى، از طريق برخوردهاى عاطفى برطرف نمى شود، از طريق اين اصل برطرف شود.

در انديشه امام سجاد عليه السلام، مديريت خانواده به شوهر اعطا شده است: «و اگرچه حق تو بر عهده او (زن) سخت تر و فرمان پذيرى از تو در آنچه دوست مى دارى و ناپسند مى شمارى ـ تا جايى كه گناه نباشد ـ بر او لازم تر است.» (حرانى، 1404ق، ص 262)

البته، سرپرستى مرد در خانواده، به معناى مطلق بودن فرمانروايى او در محيط خانواده نيست كه به دلخواه فرمان دهد و زن همانند برده اى مطيع و تسليم او باشد.

بنابراين، همان گونه كه براى تحكيم بنياد خانواده، وجود يك سرپرست، ضرورى است و بدون آن، خانواده به سستى و تزلزل مى گرايد، خودسرى ها، خودكامگى ها، خودمحورى ها و اعمال زور و قدرت بى جا نيز بنياد خانواده را متزلزل خواهد كرد. اسلام كوشيده است از طريق تلفيق قدرت با ويژگى هاى اخلاقى اى همچون فروتنى، مهرورزى و گذشت، رابطه زن و شوهر را تا جايى كه امكان دارد، تلطيف كند و از تبديل شدن آن به يك رابطه زورمدارانه جلوگيرى نمايد.

امام سجاد عليه السلام فرمودند: «اگرچه حق تو (شوهر) بر عهده او سخت تر و فرمان پذيرى از تو در آنچه دوست مى دارى و ناپسند مى شمارى ـ تا جايى كه گناه نباشد ـ بر او لازم تر است، ولى زن نيز حق مهرورزى و همدمى دارد و حق دارد كه آرامشش در برآوردن لذتى كه در انجامش ناگزير است، فراهم شود. (حرانى، 1404ق)

در اين روايت امام سجاد عليه السلام، در راستاى محدودسازى قدرت مردان، توسل به شيوه هاى تربيتى و اخلاقى را اولويت خود قرار داده است و بعد از توصيه به اطاعت زن از شوهر خود، مهرورزى و همدلى با زن را حق وى بيان مى فرمايد و از اين طريق به تلفيق قدرت با آموزه هاى اخلاقى مى پردازد و از آسيب هاى احتمالى قدرت براى مرد جلوگيرى مى كند و بدين گونه الگويى مطلوب از مديريت در اين نهاد مقدس ترسيم مى نمايند.

2ـ2. آگاهى و پذيرش نقش ها: از ديگر زمينه ها و عوامل بسيار مؤثر بر وضعيت خانواده، ارائه آگاهى ها و آموزش هاى لازم به دختران و پسران جهت احراز موقعيت همسرى، و در مرحله بعد، موقعيت پدر و مادرى نسبت به فرزندان، و ايفاى نقش هاى متناسب با اين موقعيت هاست. ترديدى نيست كه موفقيت روابط خانوادگى، تا حدود زياد به برخوردارى هريك از همسران از پاره اى آگاهى ها و مهارت هاى مرتبط با نقش هاى زن و شوهرى يا پدر و مادرى بستگى دارد. آشنايى با جهات مثبت و منفى زناشويى، يكى از لوازم مهم ورود به اين رابطه است. زن و مردى كه به ازدواج تصميم دارند، بايد بدانند كه زناشويى از سويى نويدبخش است و از سوى ديگر، مسئوليت ها و وظايف جديدى را ايجاد مى كند. (بستان، 1385، ص 188)

1ـ2ـ2. نقش عاطفى همسران: نقش عاطفى همسر به مجموعه وظايف و انتظاراتى الزامى يا ترجيحى اشاره دارد كه براى فرد در بُعد ارضاى نيازهاى عاطفى همسرش، تعيين شده است.

يكى از نيرومندترين عوامل دوام و رشد خانواده، عاطفه و محبت اعضاى خانواده به يكديگر است. بنابراين، به حكم عقل، اگر زندگى خانوادگى، ضرورت داشته باشد. بهترين عامل براى استحكام و بقاى آن، برانگيختن عواطف متقابل افراد خانواده نسبت به يكديگر است.

تقويت عواطف، تأمين بهتر مصالح خانواده را به دنبال دارد؛ زيرا وقتى انسان كسى را دوست مى دارد، تلاش مى كند تا مصالح او تأمين شود و در هرجا كه عواطف متقابل وجود دارد، همه افراد سعى در پيشرفت يكديگر دارند. آنچه انسان را از اين همدلى و هميارى بازمى دارد، خودخواهى و خودمحورى افراد است كه به اساس خانواده لطمه مى زند و بنياد آن را سست و متزلزل مى سازد. (مصباح، 1380، ج 3، ص 73ـ74)

زن و مرد با توجه به تفاوت هايى كه در آفرينش دارند، از طريق برآورده كردن نيازهاى غريزى و روانى يكديگر و در كنار هم قرار گرفتن، احساس آرامش مى كنند. (طباطبائى، 1374، ج 16، ص 249)

الف) نقش عاطفى زن: امام سجاد عليه السلام در رساله حقوق، بر نقش عاطفى زن در قبال شوهر اشاره مى كند: «و اما حق همسرت ـ كه با پيوند زناشويى زيردست تو شده ـ اين است كه بدانى خداى عزوجل او را مايه آرامش و راحتى تو ساخته است.» (حرانى، 1404ق)

در روايت ديگرى امام سجاد عليه السلام مى فرمايند: «هر كس براى او (مؤمن) همسرى تزويج كند كه موجب انس و آرامى دل او شود، خداوند در قبر كسى را كه به صورت محبوب ترين بستگان اوست، با وى مأنوس مى سازد.» (صدوق، 1406ق، ص 146)

در متن عربى روايت، ضمير مذكر در واژه «يسكن» به مرد برمى گردد؛ يعنى مرد بدون آفرينش زن آرامش ندارد و نيازمند انيس است. ضمير «اليها» نيز نيز به زوجه، يعنى زن برمى گردد و مفاد آن چنين مى شود كه گرايش انسى مرد، به زن است و بدون آن مأنوس نيست و با وى انس گرفته و آرام مى شود.

در اين سخن امام سجاد عليه السلام نيز به وجود آرامشگر زن در خانواده اشاره شده و بر توجه به اين ويژگى در هنگام انتخاب همسر تأكيد شده است. آرامش زن در خانه موجب آرامش و آسايش خانواده مى شود و قوه محركه اعضاى خانواده در داشتن روحيه اى شاداب و سرزنده و ابراز محبت ميان آنهاست.

ب) نقش عاطفى شوهر: در انديشه امام سجاد عليه السلام گزاره هايى را مى بينيم كه از آنها لزوم توجه شوهران به ارضاى نيازهاى عاطفى همسرانشان استفاده مى شود. در اين بخش، به برخى از اين روايات كه بر رفتار شايسته شوهر با همسرش و برخورد محترمانه و محبت آميز با وى دلالت دارند، اشاره كرده، آنها را بر حسب چند محور ذيل تفكيك مى كنيم:

1. نيكو سخن گفتن: زن و شوهر در محيط خانواده بايد علاوه بر محتواى كلام، در انتخاب قالب آن نيز دقت كافى را داشته باشند تا اثرش بر ديگرى پايدار و پردوام باشد.

امام سجاد عليه السلام فرمودند: «گفتار نيك، فرد را نزد خانواده محبوب نمايد.» (صدوق، 1362ق، ج 1، ص 317)

2. احترام: انسان به صورت فطرى داراى كرامت و حرمت است و به همين دليل بايد از احترام برخوردار بوده، از تحقير به دور باشد. امام سجاد عليه السلاماحترام به زن در محيط خانواده را يكى از حقوق زن بيان مى فرمايد كه رعايت آن مى تواند نقش مهمى در تحكيم روابط بين همسران داشته باشد.

آن حضرت مى فرمايند: «و اما حق زن و همسر آن است كه احترامش كنى.» (طبرسى، 1370، ص 421)

2ـ2ـ2. نقش جنسى همسران: نقش جنسى همسر، به مجموعه وظايف و انتظارات الزامى يا ترجيحى اشاره دارد كه براى هر فرد در بعد نيازهاى جنسى مقرر شده است.

غريزه جنسى، كشش و جاذبه اى است كه دو جنس مخالف را به هم نزديك مى كند و باعث تشكيل خانواده مى شود. در نظام آفرينش، با رفع نياز جنسى، نياز عاطفى انسان تأمين مى شود و در نتيجه انسان مى تواند به آرامش و سكونى كه به زوجين وعده داده شده است، دست يابد. اين واقعيت وقتى تحقق مى يابد كه زن و شوهر، هريك با آگاهى كامل به نقش جنسى خود و با ميل و رغبت و آمادگى هاى كامل، به آن بپردازند. (رشيدپور، 1388، ص 168) بديهى است محيط خانواده مناسب ترين محيط برآورده كردن اين نيازهاست؛ زيرا چنان كه ايور موريش نيز تأكيد كرده است: «هرچند واضح است كه مى توان اين نيازها را در خارج از نهاد خانواده و ازدواج برآورده كرد، ولى اين نكته نيز واضح است كه ارضاى كاملاً نامحدود خواسته هاى جنسى، به فروپاشى نظام جامعه و مناسبات آن منجر مى شود.» (موريش، 1373، ص 172)

الف) نقش جنسى زن: نقش جنسى زن در قبال شوهر كه در منابع فقهى تحت عنوان حق تمكين بررسى مى شود به اين معناست كه زن بايد امكان بهره گيرى جنسى را براى شوهرش، بدون هيچ گونه محدوديتى فراهم كند.

امام سجاد عليه السلام درباره نقش جنسى زن مى فرمايند: «اگرچه حق تو (شوهر) بر عهده او (زن) سخت تر و فرمان پذيرى از تو در آنچه دوست مى دارى و ناپسند مى شمارى ـ تا جايى كه گناه نباشد ـ بر او لازم تر است.» (حرانى، 1404ق، ص 262)

تأمين نيازهاى مرد و تمكين از خواسته هاى مرد، يكى از حقوق مرد بر زن بيان شده است. بدون شك، نياز جنسى يكى از اساسى ترين نيازهاى مرد شمرده مى شود.

ب) نقش جنسى شوهر: امام سجاد عليه السلام يكى ديگر از نقش هاى مرد در خانواده را نقش جنسى مى داند كه ايفاى مناسب اين نقش، تأثيربسزايى در تحكيم نهاد خانواده دارد.

امام سجاد عليه السلام درباره نقش جنسى شوهر مى فرمايند: «زن حق دارد كه آرامشش در برآوردن لذتى كه در انجام آن ناگزير است، فراهم شود.» (همان)

آن حضرت اشباع غريزه جنسى و لذت بردن از يكديگر را عامل و محور مهم سكون و آرامش در نهاد خانواده معرفى مى كند. اين سخن حضرت، به توجه خاص مرد به ميل جنسى زن اشاره دارد و آرامشگرى زن را منوط به اشباع درست غريزه جنسى اش مى داند. عدم ارضاى اين نياز موجب تنش و عصبيت، و در نتيجه بروز درگيرى هاى فراوان مى شود. توصيه ها و آموزه هاى فراوان دين اسلام درباره نحوه اشباع غريزه جنسى نشان از اهميت اين غريزه و نقش كليدى آن در تحكيم پايه هاى كانون خانواده دارد. نقش ارضاى جنسى و عاطفى زن و شوهر در كاهش كجروى هاى اجتماعى، به ويژه تخلفات جنسى، امرى است كه به استدلال چندانى نياز ندارد.

3ـ2ـ2. نقش پدرى ومادرى: نقش پدرى و مادرى به مجموعه وظايف و انتظارات الزامى يا ترجيحى اشاره دارد كه براى هريك از والدين نسبت به فرزندان خود مقرر شده است.

بعد از زن و شوهر، فرزندان ركن سوم خانواده را تشكيل مى دهند. با تولد فرزندان، روابط و نقش هاى جديدى در درون خانواده شكل مى گيرد كه هدايت و سازمان دهى آنها نقش بسيار مهمى در تحقق اهداف خانواده مطلوب دارد. برعكس، بى توجهى به آنها نه تنها خانواده را در دستيابى به اهدافش ناكارآمد مى كند، بلكه گاه آن را به مكانى براى جرم و جنايت مبدل مى سازد.

وظايف والدين در قبال فرزندان

1. اظهار محبت

در فرهنگ توحيدى، انسانى تربيت مى يابد كه مظهر اسماء الهى در روى زمين است. براساس آموزه هاى دينى، انسانى مى تواند مظهر خداوند در امامت رحمت باشد كه طعم شيرين محبت و مهربانى را چشيده باشد و خانواده تنها كانونى است كه مى تواند اين مسئوليت را بر عهده بگيرد.

برقرارى رابطه عاطفى با فرزندان و اظهار محبت به كودكان، از جايگاه ويژه اى در نظام تربيتى امام سجاد عليه السلام برخوردار است. ابوحمزه ثمالى مى گويد: بر سرور و مولايم على بن الحسين عليه السلام وارد شدم. حضرت نشسته بود و كودكى بر زانوانش جاى داشت. امام عليه السلام دلباخته كودك مى نمود. پيوسته او را مى بوسيد و نوازش مى كرد. كودك برخاست، سمت در رفت و به زمين افتاد. حضرت سراسيمه برخاست، او را از زمين بلند كرد و با پارچه اى، خون از پيكرش زدود و فرمود: فرزندم! تو را به خدا مى سپارم از اينكه به دار آويخته شوى.»(حسنى، 1397ق،ج2، ص 179)

2. حمايت

حمايت مالى از فرزندان، يكى ديگر از وظايفى است كه بر عهده والدين قرار داده شده است. بخشى از نفقه اى كه پرداخت آن بر مرد لازم است، مربوط به هزينه فرزندان در كوچكى يا دوران نيازمندى است. از نظر اسلام، در صورت نيازمندىِ فرزندان و توانايى والدين بر تأمين مخارج آنان، والدين بايد به كمك آنان بشتابند و اداره اقتصادى او را بر عهده گيرند. اين قانون اقتصادى اسلام در خانواده نشان مى دهد كه اسلام خانواده را در چارچوب خانواده هسته اى زن و شوهر نمى داند، بلكه خانواده گسترده اى از خويشاوندان درجه اول، يعنى فرزندان، فرزندان آنها و پدر و مادر را دربرمى گيرد. اين نگاه به خانواده، روابط عاطفى و اجتماعى گسترده اى را به دنبال مى آورد. (سالارى فر، 1385، ص 60)

امام سجاد عليه السلام نيز تأمين هزينه هاى زندگى فرزندان را وظيفه پدر مى داند و مى فرمايند: «بار خدايا! براى من و به دست من روزى شان را فراوان گردان.» (شيروانى، 1386، دعاى 29)

2ـ1. نقش فرزندى: نقش فرزندى به مجموعه وظايف و انتظارات الزامى يا ترجيحى اشاره دارد كه براى هر فرزند در اين جايگاه نسبت به والدين خود مقرر شده است.

مهم ترين رابطه اى كه ممكن است بين دو انسان تحقق يابد، رابطه فرزند با پدر و مادر است كه نمايانگر وابستگى وجود فرزند به وجود والدين اوست. در اينجا نمى توان رابطه متقابل را ملاك ارزيابى افعال و رفتارها آنها با يكديگر قرار داد؛ زيرا هيچ گاه فرزند قادر نيست بر پدر و مادر خود تأثيرى داشته باشد؛ مانند تأثيرى كه پدر و مادر در پيدايش فرزند خود دارند. وجود فرزند، بستگى به وجود والدين خود دارد، ولى وجود پدر و مادر هيچ بستگى به وجود فرزندانشان ندارد. (مصباح، 1380، ج 3، ص 53)

امام سجاد عليه السلام نيز با تأكيد بر اين مطلب مى فرمايند: «(من از آنچه والدينم در حق من انجام داده اند، ناخرسند نيستم، اى پروردگار من!) چراكه حق ايشان بر من واجب تر، و نيكى شان درباره من مقدم تر، و احسانشان به من بيش از آن است كه به عدالت از آنان تقاص كشم يا با آنان معامله به مثل كنم.» (شيروانى، 1386، دعاى 24)

صحيفه سجاديه رابطه مطلوب بين فرزندان و والدين را به بهترين شكل ممكن به تصوير كشيده است. هر رفتارى كه از انسان سر مى زند، داراى پشتوانه اى شناختى و انگيزشى است. اين مراحل در مورد رفتار با والدين، به خوبى در دعاى بيست و چهارم صحيفه سجاديه بيان شده است.

2ـ2. نقش خويشاوندى: در جامعه آرمانى، وظايف اعضاى خانواده محدود به درون خانواده نيست، بلكه در افراد خانواده در قبال خويشاوندان نيز مسئوليت دارند و در صحيفه و رواياتى از امام سجاد عليه السلام، به اين وظايف اشاره شده است و مسلمانان به انجام آنها براى دستيابى به جامعه آرمانى، تشويق و ترغيب شده اند. امام سجاد عليه السلام با اختصاص دعاى بيست و ششم به دوستان و همسايگان، چگونگى تعامل افراد با همسايگان خود در جامعه آرمانى را بيان فرموده اند. ايشان همچنين به اهميت روابط خويشاوندى، نقش حمايتى از نهاد خانواده و تأثير آن در تحكيم پايه هاى خانواده اشاره نموده اند، كه ما در اين بخش، به دليل جلوگيرى از طولانى شدن مطلب، از بيان تفصيلى آن خوددارى مى كنيم.

3. ويژگى هاى كاركردى نهاد خانواده

خانواده مطلوب در بخش كاركردى نيز از مشخصه هاى خاصى بهره مى برد كه موجب تمايز خانواده آرمانى مى شود. كاركرد در بيان كاركردگرايى، «اثرى» است كه پديده هاى اجتماعى از خود برجاى مى گذارند. اين آثار، نتيجه و دستاورد «ساختارها» هستند.

1ـ3. مشروعيت بخشى به فرزندان: تأمين پدر شرعى براى فرزندان، ويژگى كاركردى ديگرى است كه خانواده زن و شوهرى ايفا مى كند. در واقع، اهميت اين كاركرد به دليل نتايج و آثار اجتماعى آن است كه هويت بخشى به افراد، انتقال منظم ارث، و تداوم نظام خويشاوندى، از جمله مهم ترين آنها به شمار مى آيند.

كودكان نامشروع، مشكلات فراوانى براى جوامعى كه روابط آزادجنسى را تزويج كرده اند به وجود آورده و افزايش قابل توجه تعداد اين فرزندان، موضوعى است كه توجه بسيارى از جامعه شناسان را به خود معطوف كرده است.

افزايش شمار فرزندان نامشروع، تا حدودى ناشى از تغيير نگرش ها و باورها درباره رابطه جنسى پيش از ازدواج و زندگى مشترك بدون ازدواج است. به نظر مى رسد اتخاذ تدبيرهايى در زمينه كاهش روابط جنسى خارج از چارچوب ازدواج، تنها راه حل معقول و منطبق با ارزش هاى اسلامى براى مشكل فرزندان نامشروع است.

ابوحمزه مى گويد: خدمت امام على بن الحسين عليهماالسلام بودم كه مردى خدمت آن جناب آمد و گفت: اى ابامحمد! من گرفتار زنان هستم؛ روزى زنا مى كنم و روزى روزه مى گيرم. آيا اين روزه كفاره گناه آن روز مى شود؟

امام عليه السلام فرمودند: «محبوب ترين كارها نزد خداوند آن است كه مردم از وى اطاعت كنند و معصيت ننمايند. زنا نكنيد و روزه هم نگيريد.» امام باقر عليه السلامدر آنجا حاضر بود. دستش را گرفت و فرمود: «كار دوزخيان را مى كنى و اميدوار هستى وارد بهشت گردى!» (كلينى، 1365، ج 5، ص 541) فرزند متولدشده از زنا، پدر شرعى و قانونى ندارد و در نتيجه، از شبكه خويشاوندى و تربيت صحيح بى بهره خواهد بود.

2ـ3. جلوگيرى از انحرافات اجتماعى: كنترل اجتماعى، يكى از ويژگى هاى كاركردى مهم نهاد خانواده آرمانى است كه از راه نظارت خانواده بر رفتار اعضا تحقق مى يابد. البته با توجه به رواج بينش هاى فردگرايانه و آزادى خواهانه در جوامع غربى، از نقش خانواده در كنترل مستقيم رفتار همسران به شدت كاسته شده است.

كنترل مستقيم هريك از دو زوج بر رفتارهاى طرف مقابل، به ويژه رفتارهاى جنسى خارج از چارچوب ازدواج، امرى است كه در بسيارى از فرهنگ هاى گذشته و حال به چشم مى خورد؛ هرچند به دليل عواملى مانند قدرت بيشتر مردان و نقش هاى جنسيتى متفاوت زن و شوهر، اين كنترل، بيشتر از جانب مردان نسبت به زنان اعمال شده است.

خانواده، گذشته از كنترل مستقيم، به طور غيرمستقيم و از راه ايجاد فضايى همراه با آرامش و امنيت، جامعه پذيرى و ارضاى نيازهاى جنسى و عاطفى همسران نيز آنان را از گرايش به كجروى بازمى دارد.

بى ترديد ضعف نهاد خانواده، اگر يگانه عامل شيوع بى سابقه انحرافات جنسى تلقى نشود، بى ترديد مهم ترين و اصلى ترين عامل است و جهان غرب هزينه بسيار سنگينى در برابر برخى آزادى هاى موهوم جنسى پرداخته است. (بستان، 1385، ص 35)

در انديشه امام سجاد عليه السلام نيز كنترل اجتماعى، به عنوان يكى از ويژگى هاى كاركردى مهم خانواده مورد توجه قرار گرفته و به نقشى كه زن و مرد در نهاد خانواده در كنترل يكديگر دارند، اشاره شده است.

امام صادق عليه السلام مى فرمايند: «هرگاه يكى از دامادهاى امام سجاد عليه السلام به منزل وى مى رفت و بر حضرتش وارد مى شد، امام عليه السلام عباى خود را از دوش برمى گرفت و براى او پهن مى نمود تا روى آن بنشيند. سپس به داماد خود مى فرمود: «خوش آمدى؛ كه تو هم تأمين كننده هزينه هاى خانواده خود و هم نگه دارنده ناموس خود از شرّ هواهاى نفسانى و اجانب هستى.» (رنجبر، 1380، ص 225) امام سجاد عليه السلام در اين روايت، شوهر را به نقش كنترلى مرد بر رفتار زن، به ويژه رفتار جنسى وى اشاره مى كند.

آن حضرت همچنين در رساله حقوق، به نقش كنترلى زن اشاره مى نمايد و از وى در درون خانواده، به عنوان واقيه، به معناى نگهدار همسر ياد مى كند. زن مى تواند با پاسخ گويى به نيازهاى عاطفى و جنسى مرد، او را از گرايش به انحرافات جنسى بازدارد: «و اما حق همسرت ـ كه با پيوند زناشويى زيردست تو شده ـ اين است كه بدانى خداى عزوجل او را مايه آرامش و راحتى، و همدم و نگهدار تو ساخته.» (حرانى، 1404ق، ص 362)

راهكارهاى تحقق خانواده آرمانى

امام سجاد عليه السلام براى تحقق و استحكام خانواده مطلوب، راهكارهايى هماهنگ و هم جهت با مبانى توحيدى بيان كرده اند كه به برخى از آنها اشاره مى كنيم:

1. تقويت ايمان

به طور كلى، ايمان، باورها و ارزش هاى مذهبى، از دو راه مهم بر ثبات و استحكام خانواده و تحقق خانواده مطلوب تأثير مى گذارد:

1ـ1. معنا بخشيدن به زندگى و ايجاد حس رضايت: راه نخست، معنابخشى به زندگى و ايجاد حس رضايت در افراد و اميدوار ساختن آنان به آينده است كه نتيجه آن، افزايش سازگارى افراد با ناملايمات و دشوارى هاى زندگى است. از آثار ايمان به خدا، تسليم و رضا به مقدرات الهى است. فرد بايد باور داشته باشد كه همه رويدادهاى جهان، منوط به اذن خداوند و توانى است كه او به اسباب و علل افاضه مى كند. افزون بر اين، خداوند نه تنها به مصالح انسان آگاه تر است، بلكه بيش از آنها برايشان خيرخواه و سعادت طلب است. بنابراين، همه حوادث در جهت خير و صلاح انسان ها روى مى دهد. تسليم و رضا به حوادث جهان كه براساس خواست خداست، براى انسانى كه هم به امور ماوراى طبيعت باور دارد و هم به خداوند تعلق عاطفى دارد، امرى مطلوب خواهد بود، اما اگر تسليم رضاى الهى نشود، وضعيت مشكل تر مى شود.

سيره امام سجاد عليه السلام در زندگى به گونه اى است كه نشان از رضامندى آن حضرت از خداوند در همه زمينه هاست. امام باقر عليه السلام فرمودند: «سخت مريض شدم. پدرم به من گفت: چه ميل دارى؟ گفتم: مايلم آنچه خدا برايم خواسته بر خلاف آن درخواستى نداشته باشم. فرمود: احسنت! شبيه ابراهيم خليل شده اى؛ چنان كه جبرئيل به او گفت: حاجتى دارى؟ گفت: در مقابل خدا اظهارنظرى ندارم. او كافى است و او بهترين پشتيبان من است.» (مجلسى، 1364، ج 46، ص 67)

2ـ1. تقويت اخلاق و كنترل درونى: راه دوم تقويت و تحكيم مبناى اخلاقى فرد است كه از نتايج آن، ايجاد يك عامل كنترل درونى است كه از توسل شخص به اقدامات ظالمانه و خشونت در روابط خانوادگى جلوگيرى مى كند.

با توجه به اينكه بسيارى از نزاع هاى خانوادگى و خشونت ها در رذايل اخلاقى افراد ريشه دارد، مى توان اين ادعا را مطرح كرد كه آراسته بودن زن و شوهر به فضايل اخلاقى، يكى ازمهم ترين عوامل ثبات وتحكيم خانواده است.

واضح است كه اگر زوجين از ويژگى هاى اخلاقى ارزشمندى مانند صداقت، وفادارى، اعتماد، خيرخواهى و انصاف برخوردار بوده، از امورى مانند خودخواهى، خودمحورى، تحقير ديگران، توهين به آنها، حسادت، كينه توزى و دورويى مبرا باشند، بسيارى از تنش ها، بدرفتارى ها، خشونت ها و اختلافات ويرانگر، از ساحت زندگى خانوادگى رخت برخواهد بست؛ زيرا پاى بندى به اصول اخلاقى، نيرومندترين عامل كنترل درونى افراد است. از اين رو، اسلام از ميان معيارهاى متعدد گزينش همسر، به گونه اى كم نظير بر تربيت اخلاقى فرد تأكيد كرده است. (بستان، 1385، ص 219)

ابوحمزه ثمالى گويد: امام باقر عليه السلام فرمودند: پدرم على بن الحسين عليهماالسلام مى فرمود: چهار چيز است كه در هر كس باشد، ايمانش كامل است و گناهانش پاك مى گردد و خدا را ديدار كند، در حالى كه از وى خشنود و خرسند باشد: هر كس كه با خانواده خويش به خوش خلقى رفتار كند. (مفيد، 1413ق، ص 229)

اين روايت، از وجود رابطه كلى بين رفتار اخلاقى (حسن خلق) و ايمان، و تأثير و تأثر متقابل بين اين دو خبر مى دهد؛ زيرا از ديدگاه اسلام، كارى از نظر اخلاقى ارزشمند است كه به وسيله نيت با خدا مرتبط شود. چنين نيتى كه رابطه با خدا را تحقق بخشد، از كسانى صادر مى شود كه به خدا ايمان داشته باشند. متقابلاً، انجام كار اخلاقى نيز موجب ازدياد ايمان خواهد شد؛ چنان كه كار زشت نيز سلب ايمان را به دنبال مى آورد.

2. فرزندآورى

بسيارى از مطالعات و تجربه هاى عينى نشان مى دهند كه توليد فرزند، به عنوان بارزترين محصول پيوند زناشويى، در تحكيم و تثبيت خانواده نقش ممتازى ايفا مى كند، و در مقابل، عقيم بودن و ناكامى در توليد فرزند، به ويژه در صورت اشتياق وافر دو زوج و وجود حساسيت هاى محيطى مشوق، در بسيارى از موارد، فروغ مهر و صفا را در روابط زناشويى ضعيف و پيوندهاى متقابل را سست مى گرداند.

فرزندخواهى، به شدت متأثر از اوضاع اقتصادى و فرهنگى است، تا آنجا كه در برخى جوامع، نازايى زن دليل كافى براى طلاق وى قلمداد مى شود. در مقابل، در جوامع غربى با شمار زيادى از زوج هايى روبه رو مى شويم كه فرزند را مانع پيشرفت فردى يا دستيابى به عشق و ديگر آرزوهاى شخصى مى انگارند. (بستان، 1390، ص 204)

اگرچه خوددارى از داشتن فرزند، گرايشى است كه با تأثيرپذيرى از فرهنگ غربى به وجود آمده است، با توجه به آموزه هاى دينى، به طور قطع فرزندان مى توانند تأثيرات مثبت و سازنده اى در زندگى والدين داشته باشند و بعد از والدين، مهم ترين ركن خانواده شمرده مى شوند.

امام سجاد عليه السلام با بيان كاركردهاى مثبت فرزندآورى، كوشيده است فرزندان را به جاى آنكه عاملى براى سرخوردگى و نارضايتى والدين باشند، به عاملى براى افزايش رضايت خاطر آنان، و در نتيجه، تحكيم پيوند زناشويى تبديل كند:

الف) يادآورى ارزش ها و منافع دنيوى فرزندان براى والدين؛ مانند اينكه فرزندان موجب انس پدر و مادر و خارج شدن آنها از تنهايى اند و فرزندان يار و ياور پدر و مادر و يادگارهاى آنان پس از مرگ ايشان خواهند بود. (كفعمى، 1405ق، ص 164)

ب) تأكيد بسيار بر منافع اخروى فرزندان؛ مانند اينكه براى والدين، در نتيجه كارهاى نيك فرزند، پاداشى منظور مى گردد. (شيروانى، 1386، دعاى 25)

3. حصر روابط جنسى در چارچوب زناشويى

يكى از عواملى كه نقشى تعيين كننده در سوق يابى افراد به تشكيل خانواده، و در مرحله بعد در حفظ، ثبات و استحكام خانواده دارد، منحصر كردن ارضاى غريزه جنسى به چارچوب ازدواج مشروع است. در شرايطى كه افراد جامعه به خانواده به عنوان مكان انحصارى ارضاى نيازهاى جنسى ننگرند، ميزان تعهد عمومى نسبت به حفظ اين نهاد اجتماعى به شدت كاهش مى يابد.

براين اساس، اسلام يكى از راهكارهاى خود را براى تحكيم خانواده، حصر روابط جنسى در چارچوب زناشويى قرار داده و براى تحقق اين راهكار، از اهرم هاى قانون گذارى، اجرايى و فرهنگى استفاده كرده است. در بعد قانون گذارى، با مرزبندى و تفكيك بين الگوهاى مشروع و نامشروع ارضاى جنسى، در جهت تحكيم خانواده گام برداشته است. از جنبه اجرايى نيز اسلام با اجراى سياست هاى فرهنگى، حمايتى و تنبيهى، در جهت نهادينه كردن الگوى مشروع ارضاى جنسى و از ميان برداشتن الگوهاى نامشروع در سطح جامعه كوشش كرده است. از حيث فرهنگى، اسلام با يادآورى و تأكيد مستمر آثار سوء دنيوى و اخروى روابط نامشروع، كوشيده است قبح و ناپاكى اين اعمال را در باور افراد رسوخ دهد تا از اين طريق، از بى بندوبارى جنسى افراد در جامعه جلوگيرى كند. (بستان، 1390، ص 174)

امام سجاد عليه السلام به دليل پيامدهاى ناگوارى كه آزادى روابط جنسى در پى دارد، ضمن مخالفت با هرگونه بى بندوبارى جنسى، به ارضاى نياز جنسى از راه هاى مشروع و حلال سفارش كرده است.

آن حضرت مى فرمايد: «و اما حق عورتت، نگهدارى آن است از آنچه بر تو حلال نيست، و كمك و تقويت آن نگهداشت، با چشم پوشى (از نامحرم)؛ زيرا (چشم فروبستن) مددكارترين ياوران (در جلوگيرى از شهوت) است، و (با) بسيار ياد كردن از مرگ و تهديد نمودن خود از (عذاب) خداوند و ترساندن نفس از اوست، كه عصمت و پاكدامنى و تأييد از خداست.» (حرانى،1404ق، ص 258)

خانواده در انديشه امام سجاد عليه السلام يكى از مهم ترين نهادهاى جامعه مطلوب محسوب مى شود. به همين دليل، امام عليه السلامبا همه الگوهاى جايگزين خانواده و آزادى روابط جنسى در خارج از چارچوب خانواده مخالفت مى كند و ارضاى غريزه جنسى از طريق الگوهاى جايگزين را ضدخانواده، غيرمجاز و نامشروع مى داند و از تقوا و ياد مرگ، به منزله دو راهبرد مهم فرهنگى ياد مى كند.

4. تقويت روحيه غيرت ورزى

غيرت ورزى جنسى، از اخلاق جنسى است كه بروز و رشد آن، بيش از هر جاى ديگرى در محيط خانواده به چشم مى خورد. برخلاف ديدگاهى كه غيرت را از مقوله حسادت و صرفا محصول عوامل فرهنگى، و ناشى از گرايش مردان به تملك زنان مى داند. (كلاين برگ، 1368، ص 165)

امام سجاد عليه السلام فرمودند: «از سعادت آدمى آن است كه تجارت و كسبش در كنار محل سكونت او باشد و رفقايش همه افراد صالح باشند و فرزندى داشته باشد كه به او كمك كند و از ناراحتى مرد آن است كه زنى داشته باشد كه از وى خوشش بيايد، در عين حال آن زن به او خيانت كند.» (حرانى، 1404ق، ص 264)

امام عليه السلام در اين روايت، بى غيرتى و بى تفاوتى نسبت به همسرى كه به شوهر خود خيانت مى كند را امرى ناپسند مى شمارد كه نهاد خانواده را متزلزل مى سازد و موجب خسران مرد مى شود.

ديگر راهكارهايى كه امام سجاد عليه السلام براى تحقق و استحكام خانواده آرمانى بيان مى كند، عبارت اند از: آراستگى ظاهرى؛ تأمين هزينه هاى معيشتى؛ محدوديت روابط اجتماعى زنان و مردان؛ بهره گيرى از دعا و... .

نتيجه گيرى

در اين نوشتار به بررسى خانواده آرمانى در انديشه امام سجاد عليه السلامدر دو بخش ويژگى ها و راهكارها پرداختيم:

ويژگى هاى خانواده آرمانى در سه محور ازدواج، ساختار و كاركردها بررسى شد:

1. ازدواج: تقدس سنت ازدواج، انتخاب آگاهانه و همسان همسرى، سه ويژگى نهاد خانواده در اين محور مى باشند.

2. خانواده: امام سجاد عليه السلام سرپرستى خانواده را با مرد مى داند و پذيرش آگاهانه نقش ها را ويژگى ديگر نهاد خانواده در اين محور برمى شمرد.

3. كاركردها: مشروعيت بخشى به فرزندان و كنترل اجتماعى اعضاى خانواده، ويژگى هاى كاركردى اين نهاد محسوب مى شوند.

در بخش راهكارها، تقويت ايمان، فرزندآورى، حصر روابط جنسى در چارچوب زناشويى و تقويت روحيه غيرت ورزى، به عنوان راهكارهاى تحكيم و تحقق بيرونى خانواده آرمانى بيان شدند.

اين ويژگى ها و راهكارهاى بيان شده در انديشه امام سجاد عليه السلام، مبتنى بر مبانى توحيد و نشئت گرفته از وحى اند و زمينه پرورش انسان هاى خداپرست در درون نهاد خانواده و تشكيل جامعه آرمانى فراهم مى كنند.

منابع

ـ اچ ترنر، جاناتان، مفاهيم و كاربردهاى جامعه شناسى (1378)، ترجمه محمد فولادى و محمدعزيز بختيارى، قم، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى قدس سره.

ـ اهوازى، حسين بن سعيد (1402ق)، الزهد، چ دوم، قم، حسينيان.

ـ بستان، حسين (1385)، اسلام و جامعه شناسى خانواده، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ـ بستان، حسين (1390)، خانواده در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ـ حرانى، ابن شعبه (1404ق)، تحف العقول، چ دوم، قم، جامعه مدرسين.

ـ حسنى، هاشم معروف (1397ق)، سيرة الائمه الاثنى عشر، بيروت، دارالتعارف.

ـ رشيدپور، مجيد (1388)، عوامل استحكام خانواده، چ سوم، تهران، انجمن اولياء و مربيان.

ـ رنجبر، محسن (1380)، نقش امام سجاد در رهبرى شيعه، قم، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى قدس سره.

ـ ساروخانى، باقر (1380)، جامعه شناسى خانواده، تهران، سروش.

ـ سالارى فر، محمدرضا (1385)، درآمدى بر نظام خانواده در اسلام، چ دوم، قم، هاجر.

ـ شيروانى، على (1386)، ترجمه صحيفه كامله سجاديه، چ ششم، قم، دارالفكر.

ـ صدوق، محمدبن على (1362ق)، الخصال، قم، جامعه مدرسين.

ـ ـــــ ، (1406ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دارالرضى.

ـ طباطبائى، سيدمحمدحسين (1374)، تفسير الميزان، ترجمه سيدمحمدباقر موسوى همدانى، قم، دفتر انتشارات اسلامى.

ـ طبرسى، فضل بن حسن (1385ق)، مشكاه الأنوار فى غررالأخبار، نجف، حيدريه.

ـ ـــــ ، (1370)، مكارم الأخلاق، چ چهارم، قم، شريف رضى.

ـ عاملى كفعمى، ابراهيم بن على (1405ق)، المصباح، چ سوم، قم، رضى.

ـ كلاين برگ، اتو (1368)، روان شناسى اجتماعى، ترجمه على محمد كاردان، چ دوم، تهران، انديشه.

ـ كلينى، محمدبن يعقوب (1365)، الكافى، چ چهارم، تهران، دارالكتب الإسلاميه.

ـ مجلسى، محمدباقر (1364)، بحارالانوار، چ دوم، تهران، دارالكتب الاسلاميه.

ـ محمدى رى شهرى، محمد (1389)، تحكيم خانواده از نگاه قرآن و حديث، قم، دارالحديث.

ـ مصباح، محمدتقى (1380)، اخلاق در قرآن، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى قدس سره.

ـ مفيد، محمدبن محمدنعمان (1413ق)، امالى، قم، كنگره شيخ مفيد.

ـ موريش، ايور (1373)، درآمدى بر جامعه شناسى تعليم و تربيت، ترجمه غلامعلى سرمد، تهران، مركز نشر دانشگاهى.